

این بار از زبان دانشجویان دختر*

گفتگو با «سوده طهماسبی»، «پریسا صالحی» و «سوده غفوری فرد» ورودیهای سال ۱۳۷۵ با کسب رتبه‌های پنجم، ششم و هفتم آزمون سراسری، فارغ التحصیلان مرکز «فرزانگان تهران» سمپاد و دانشجویان کنونی دانشگاههای علوم پزشکی «شهیدبهشتی» و «تهران»



□ حدود سه سال از زمانی که وارد دانشگاه شدید، می‌گذرد. دورانی که می‌تواند نقش مهمی در نگرش شما نسبت به دانشگاه داشته باشد. برای همین می‌خواهیم بدانیم که بعد از سه سال تجربه، یک دانشگاه خوب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سوده طهماسبی: امام خمینی در این زمینه صحبتی داشتند که مضمون کلی این بود که دانشگاه باید انسان ساز باشد. من هم فکر می‌کنم ایده‌آل‌ترین دانشگاه، دانشگاهی است که یک انسان واقعی را در ابعاد مختلف فرهنگی، علمی و اجتماعی تحویل جامعه دهد. سوده غفوری فرد: فکر می‌کنم دانشگاه تهران تا حدی معیارهای یک دانشگاه خوب را دارد. از نظر کلی دانشگاه خوب دانشگاهی است که محیط، فضای کلاسها، اساتید و کلاً تمام عناصر داخل دانشگاه کاری کنند که دانشجو هر روز نسبت به تحصیل و کسب علم مشتاق تر شود. در کل دانشگاهی خوب است که امکانات خوب و مدیریت قوی داشته باشد.

□ خانم طهماسبی گفتید که دانشگاه خوب، دانشگاهی است که انسان ساز باشد. فکر می‌کنید دانشگاه شما در این زمینه تا چه حد موفق بوده است؟

سوده طهماسبی: البته با سه سال تحصیل در یک دانشگاه نمی‌توان ارزیابی درستی از آن داشت بخصوص که من فقط در یک دانشکده آن بودم (دندانپزشکی شهیدبهشتی) اما در کل اساتید از جهت علمی توانسته‌اند تا حدی نیاز دانشجو را بر طرف کنند و از نظر امکانات نیز در حد نسبتاً مطلوبی است. البته به نظر من این دانشجو است که باید از امکانات نهایت استفاده را بکند.

سوده غفوری فرد: به نظر من دانشگاه باید هم دانشجو را از نظر فرهنگی ارتقاء بدهد و هم فرهنگ جامعه را تغییر دهد ولی این کار مشکلی است و حتی از کار علمی مشکل تر است چون کار فرهنگی با روح افراد در تماس است و حالت خشک و بی روح کار علمی را ندارد. یعنی ما نمی‌توانیم انسانها را فرمول بندی کنیم و بگوییم اگر این کار را انجام بدهیم حتماً فلان نتیجه را می‌گیریم. در نتیجه انجام کار فرهنگی بسیار مشکل است. با این حال به نظر من دانشگاه ما تا حدی از این جنبه موفق بوده است که در این میان باید به تشکیل گروه‌های مختلف دانشگاهی اشاره کرد. بخصوص کانون قرآن که تنها در زمینه قرائت یا تفسیر قرآن فعالیت نمی‌کند بلکه کارهای هنری نیز در ارتباط با قرآن انجام می‌دهد مانند نمایشگاه هنری مربوط به عاشورا که چندی پیش برگزار کرده بود. یا بسیج دانشجویی که گروه‌های علمی - تحقیقاتی و گروه‌های ترجمه متون پزشکی تشکیل داده است.

پریساصالحی: در جهت دادن به طرز فکر دانشجویان، محیط دانشگاه، ورودیهای سالهای قبل و اساتید بسیار نقش دارند. در این زمینه در دانشکده ما رویه خاصی وجود دارد که از سالهای قبل بوده است. مانند گروه‌های مختلفی که خانم غفوری فرد اشاره کردند همچنین گروه‌های علمی که نسبت به سایر دانشگاهها از عمومیت بیشتری برخوردارند و این مسأله خیلی اهمیت دارد چون استعداد‌های انسانی از طریق این گروه‌های فوق برنامه شکوفا می‌شود.

□ اشاره کردید به کانون قرآن و فعالیتهایش در دانشکده‌های پزشکی و دندانپزشکی. ما نیز خبرهایی در این زمینه شنیده‌ایم مثل پایان نامه‌ای با عنوان «نقش تلاوت قرآن در کاهش دردهای بعد از عمل جراحی» که چندی پیش در یکی از دانشکده‌های پزشکی دفاع شده بود. خوشبختانه در این جمع نیز دو تن از دوستان حافظ کل قرآن هستند، می‌خواستم بدانم که به نظر شما در دانشکده‌های علوم

پزشکی تا چه حدی قرآن از دید پزشکی و طبی مورد توجه قرار می‌گیرد؟

سوده طهماسبی: اخیراً دانشجویان کار جالبی در مورد تطابق دستورات قرآنی با علم امروز انجام دادند که دقیقاً نشان می‌دهد چیزهایی که حدود ۱۴۰۰ سال پیش دستورات مستقیم قرآن و ائمه اطهار بود، تا چه حد منطبق با علم امروز است. بطور کلی «بنیاد قرآن» حداقل در دانشکده ما انصافاً خوب تلاش کرده است منتهی خود ما که در دانشگاه نسبت به این مسایل پایبند هستیم، باید شناخت درستی از قرآن و معارف قرآنی به دانشجو بدهیم و باعث جذب آنها به این مراکز بشویم.

سوده غفوری فرد: یکی از شعب طب اسلامی که مرکز بسیار بزرگی در سطح کشور است، در دانشگاه ما دایر شده است. در این مرکز احادیثی که در زمینه پزشکی از امام رضا(ع) وجود دارد، استخراج می‌شود و این احادیث را با علم امروز تطبیق داده و از آن استفاده می‌کنند. از دیگر کارهای این مرکز تهیه داروهای گیاهی با توجه به این احادیث و روایات می‌باشد. با این حال بار دیگر ذکر کنم که کار در زمینه قرآن یک کار فرهنگی است و کار فرهنگی، کار مشکلی است و باید در طی چند سال تداوم داشته باشد تا نتیجه بدهد.

□ عده‌ای معتقدند که دانشجویان نسل جدید نسبت به دانشجویان یکی دو نسل قبل در مسایل مختلف علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی منفعل شده‌اند، نظر شما در این باره چیست؟

پریساصالحی: نمی‌شود گفت که دانشجویان منفعل شده‌اند، فعالیت‌هایشان در زمینه‌ها و به اشکال دیگری ظاهر شده‌اند. اینجا مسأله‌ای هست و آن اینکه هر دانش‌آموزی که از مقطع دبستان وارد مقطع راهنمایی و از راهنمایی وارد دبیرستان می‌شود به لحاظ آشنایی کمتری که با درسها و محیط جدید دارد دچار یک افت تحصیلی می‌شود. این مشکل در دانشگاه نیز وجود دارد بویژه این که حجم درسها بیشتر است و جوانان وارد محیط جدیدی می‌شوند. به همین دلیل این منفعل شدن در ترمهای اول و دوم بیشتر است چرا که در ترمهای بالاتر دانشجویان روش خاصی را برای درس خواندن، برخورد کردن و تحقیق کردن در هر زمینه‌ای پیدا می‌کند. اما به نظر من از همین افت اولیه نیز باید جلوگیری کرد چون کلی از انرژی و وقت دانشجویان در ترمهای اول هدر می‌رود و این افت اولیه اثر دراز مدتی برجای می‌گذارد.

سوده طهماسبی: در مقایسه با سالهای قبل مطلع نیستم که دانشجویان منفعل شده‌اند یا نه. ولی این مسأله‌ای که خانم صالحی گفتند صحیح است. به نظر می‌رسد اگر دانش‌آموزان نسبت به جو

دانشگاه و حال و هوای علمی آن آشنایی قبلی داشته باشند، خیلی بهتر است. چرا که من دانشجویانی را می بینم که بعد از ورود به محیط جدید دچار سردرگمی می شوند. واقعاً نمی دانند در مورد برخورد با دوستان، همکلاسیها و اساتید چه بکنند فضای دانشگاه فضای بازی است و امکان فعالیت برای افراد با همه افکار و اعتقادات و مبانی فرهنگی وجود دارد و اگر دانش آموزان از این نظر پایه محکمی نداشته باشند دچار سردرگمی می شوند.

□ به نظر شما چه راه حلی برای این مشکل وجود دارد؟

پریسوالحی: به نظر من یکی از علل مشکل فوق این است که دانشجویان ایده آل گرا هستند. یعنی فکر می کنند محیط دانشگاه باید مثل محیط دبیرستان باشد و اگر اتفاقی برایشان می افتد یا اگر افت تحصیلی دارند باید نسبت به آن توجه خاصی شود، در حالیکه محیط دانشگاه چنین چیزی را نمی طلبد به همین دلیل لازم است قبل از ورود به دانشگاه دانشجویان را برای پذیرش محیط دانشگاه آماده کرد.

سوده غفوری فرد: این مورد طبیعی است چون فرد از محیط بسته وارد محیط باز می شود، حتی نمی داند چطور با همکلاسی هایش برخورد کند. مثلاً در دبیرستان در یک کلاس ۳۰ نفره همه همدیگر را می شناسند سالها با هم بوده اند و محیطشان کاملاً آشناست در حالی که محیط دانشگاه از هر جهت برای فرد غریب است. یکی از راه حل های این مشکل همین اردوهای پیش دانشگاهی است که در این اردوها با قسمتهای مختلف و همچنین تا حدودی با دانشجویان دیگر آشنا می شوند. اخیراً هم دانشجویان سالهای بالاتر در همین اردوها در خصوص روش درس خواندن، شرکت در گروه های مختلف تحقیقاتی، فرهنگی و مسایل مختلف صحبت می کنند. □ یکی از مسایل مهم در آموزش عالی، اهداف کلی این وزارتخانه است که بدون شک تأثیری مستقیم بر روی دانشجویان می گذارد. مثل سخنان یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی که یکی دو سال پیش مطرح کردند که «هدف آموزش عالی کشور ارتقای سطح فرهنگ جامعه است و دانشگاهها تعهدی در خصوص اشتغال فارغ التحصیلان ندارند» فکر می کنید تا چه حد این حرف قابل قبول می باشد؟

سوده غفوری فرد: به نظر من این دیدگاه در مورد بعضی رشته های علوم انسانی می تواند صادق باشد چون زمینه شغلی برای رشته هایی مانند ادبیات، زبانهای خارجه و یا علوم اجتماعی طوری است که باید خود فرد شغل بیافریند. مثلاً این فارغ التحصیلان می توانند در تحقیقات

علوم اجتماعی کار کنند، کتاب بنویسند و دولت لزوماً ضمانتی برای اشتغال اینها ندارد ولی در رشته‌هایی مانند پزشکی، دورهٔ تحصیل بسیار طولانی است و امکانات و هزینه زیادی صرف دانشجوی می‌شود. اگر این شخص به دلایلی مانند عدم اشتغال نتواند به جامعه خدمتی بکند، هم هزینه دولت و هم ۷ سال عمر شخصی که در این رشته تحصیل کرده، تلف شده است.

سوده پهماسبی: من معتقد نیستم کسی که تحصیل کرده، حتی اگر وارد بازار کار نشود، وقتش تلف شده است. چون در دانشگاه دانشجویان علاوه بر آموزشهای علمی که می‌بینید، تجربیاتی نیز به دست می‌آورند که به نظر من بسیار با ارزش است. منتهی این که دولت موظف است که موقعیت شغلی برای فارغ التحصیلان فراهم کند یا خیر، من معتقدم که این کار جزو وظایف دولت است هر چند که با شرایط فعلی جامعه ما نمی‌توانم بگویم که آیا قادر به انجام چنین وظیفه‌ای هست یا نه؟ اما حداقل می‌توان انتظار داشت که دولت و همچنین آموزش عالی به افرادی که می‌خواهند وارد دانشگاه شوند، یک دید واقع بینانه بدهد یعنی افرادی که می‌آیند درس می‌خوانند، با این دید نیابند که حالا می‌روم، درس می‌خوانم بعد از آن هم حتماً شغل خوبی به اضافه در آمد بالا و موقعیت اجتماعی خوب فراهم داشت. باید افرادی را که می‌خواهند وارد دانشگاه شوند با واقعیت جامعه آشنا کرد و به آنها گفته شود که تا چه حد دولت می‌تواند زمینه اشتغال را برایشان فراهم سازد.

پریساصالحی: البته شاید درست نباشد که اسم سرمایه‌گذاری را روی پرورش دانشجوی گذاشت ولی به هر حال پذیرش و تعلیم دانشجوی یک نوع سرمایه‌گذاری علمی و فرهنگی است. من فکر می‌کنم طبق یک اصل کلی که در هر سرمایه‌گذاری هست، هر کس بخواهد روی چیزی سرمایه‌گذاری کند یک ارزیابی بر روی بازدهی سرمایه‌گذاریش نیز می‌کند. یعنی دولت باید ارزیابی بکند که فارغ التحصیلان از دانشگاه به کجا می‌روند و چه امکاناتی بعد از تحصیل می‌توان برایشان فراهم کرد.

□ خانم غفوری فرد اشاره کردید به این که حداقل در رشته‌هایی مثل پزشکی دولت با آموزش عالی موظف است که به فکر اشتغال فارغ التحصیلان باشد. در حالی که یکی از رشته‌های مسأله‌ساز همین رشته پزشکی است که از یک سو گفته می‌شود در کشور نیازی به پزشک، حداقل پزشک عمومی نداریم و از سوی دیگر هر سال دانشجوی پزشکی پذیرفته می‌شوند.

سوده پهماسبی: الان در تمام رشته‌هایی چه پزشکی و چه غیر پزشکی یک اشباع نسبی

وجود دارد. منتهی صحبت برخی از صاحب‌نظران این است که ما توزیع نامتناسب شغلها را داریم چرا که در یک منطقه نیروی متخصص به حالت اشباع رسیده است و در مناطق دیگری به این نیروها نیاز داریم. کاری که می‌شود کرد توزیع متناسب این نیروها است. سوده غفوری فرد: مسأله این جا است که فارغ‌التحصیل پزشکی حتماً نباید به شغل طبابت بپردازد، در مطب بنشیند و نسخه بنویسد. شغل‌های مختلفی هست که می‌توان در زمینه پزشکی انجام داد، زمینه‌های تحقیقی بسیار هست که حتی بودجه و امکانات هم در اختیار محقق قرار می‌دهند اما دانشجویانی که محقق باشند و بخواهند در این زمینه کار کنند، بسیار انگشت شمار هستند.

□ حرف شما درست است، اما چرا با توجه به خلاقیت، نوآوری و ضریب هوشی ایرانیان که وقتی به خارج می‌روند کارهای خوبی انجام می‌دهند و مسؤولیتهای خوبی هم دارند، در ایران دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به سوی تحقیق نمی‌روند؟

پریساصالحی: این همان مسئله مدیریت و جهت دهی است فرض کنید به پزشک فارغ‌التحصیلی که الان ۲۵ ساله است، مشکل ازدواج، اشتغال و هزار مسئله اقتصادی دارد، نمی‌شود گفت حالا شما برو و روش تحقیق یاد بگیر و در زمینه تحقیق فعالیت کن. این جهت دهی باید از همان سالهای اول به دانشجو داده شود. نباید به او گفت شما باید فارغ‌التحصیل شوی و بعد ببینی به چه چیزی علاقه داری و چه فعالیتی می‌توانی انجام دهی. اگر از یک دانشجو بپرسی به چه علاقه داری مسلماً می‌گوید: می‌خواهم جراح فلان رشته شوم، متخصص شوم اما این جهت دهی شاید ۱۰ سال پیش کاربرد داشته است. فکر می‌کنم یکی از دلایل عدم تمایل دانشجویان به تحقیق این است که دانشجویان و دانشگاه این گزینه (تحقیق کردن) را بین گزینه‌های انتخابی قرار نمی‌دهند.

سوده طهماسبی: باید انگیزه به تحصیل را در بین دانشجویان ایجاد کرد. عملاً هم لازم نیست دولت صبر کند تا دانشجویان دانش کافی پیدا بکنند بعد بتوانند، تحقیق بکنند. حتی اگر از همان سالهای اول دانشگاه علاقه به تحقیق و پژوهش را در بین دانشجویان ایجاد بکند، دانشجو می‌تواند سؤالهایی را که برایشان پیش می‌آید پیگیری کرده و نهایتاً ۳ یا ۴ سال دیگر که دانش خوبی کسب کرد، تحقیقات خوبی را انجام بدهد.

دانشجو نیز نباید با طرح مشکلاتی مثل کمبود امکانات به تحقیق و پژوهش پشت کند. من

فکر می‌کنم هفتاد درصد انجام یک تحقیق وابسته به تلاش فرد و پیگیری او دارد وگرنه این طور نیست که چون امکانات کم است، پس تحقیق متوقف شود. مسئله در مواردی صدق می‌کند که تحقیقات هزینه بر هست ولی اکثریت تحقیقات دانشجویی هزینه چندانی در بر ندارد. سوده غفوری فرد: من فکر می‌کنم بیشتر اشکال از سیستم آموزشی کشور است. مثلاً ما در دانشگاه از همان ترمهای اول علاوه بر جزوات باید یک سری کتابهای حجیم هم بخوانیم وگرنه در کار پزشکی با مشکل مواجه می‌شویم. از طرف دیگر وقت ما آنقدر کم هست که من فکر می‌کنم دانشجویانی که علاوه بر جزوه کتابهای درسی را می‌خوانند، انگشت شمارند. دانشجویی که می‌خواهد یک پزشک موفق شود اولین برنامه‌اش این است که کتابهای درسی را بخواند در حالیکه این کتابها بسیار حجیم و وقت‌گیر هستند و طبیعتاً دانشجویان خواندن کتاب را به کار تحقیقی ترجیح می‌دهند.

من خیلی دوست داشتم بدانم دانشجویان کشورهای خارجی چطور درس می‌خوانند و اساتید چطور تدریس می‌کنند که دانشجویان در عین حال که فرصت می‌کنند کتابها را بخوانند، کارهای تحقیقاتی جانبی هم انجام می‌دهند.

□ بر می‌گردیم سر سؤال اولمان و مشکل موقعیت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و بخصوص فارغ‌التحصیلان پزشکی. شما گفتید که یک فارغ‌التحصیل پزشکی به جای طبابت می‌تواند به کارهای تحقیقاتی بپردازد اما دیدیم که دانشجو با تحقیق و پژوهش عجز نیست و در نتیجه بعد از فارغ‌التحصیلی نیز به سوی کارهای تحقیقاتی کشیده نمی‌شود. گفتید که توزیع نامناسب است در حالی که حتی بچه‌های شهرستانی می‌گویند که در هر شهر کوچک چند مطب پزشک عمومی دایر است از سویی می‌شنویم که در همایشی به نام «همایش آتیه پزشکان جوان» که در سال ۷۶ در شیراز برگزار شد، این مسأله مطرح شد که گروهی از پزشکان جدید در تاکسیرانی به مسافری مشغولند. بالاخره به نظر شما چه باید کرد؟ سوده غفوری فرد: این مسأله خیلی اشکال دارد. به این دلیل که وقتی کسی می‌خواهد کار غیر تخصصی انجام دهد، نیازی نیست که ۷ سال در زمینه خاصی تخصص ببیند. البته نمی‌خواهم اهانت به شغل خاصی بکنم چون همه شغلها محترمند اما برخی شغلها به تخصص بیشتری نیاز دارند طبیعتاً متخصص باید در زمینه تخصصی خود مشغول به کار شود. این که یک پزشکی بعد از ۷ سال درس خواندن نتوانسته در زمینه تحصیلی خود اشتغال پیدا کند، نشان می‌دهد که در زمینه‌ای که او درس خوانده بسیار ضعیف بوده است و از نظر معلومات و سواد مشکل دارد.

هرکس در رشته‌ای که تحصیل کرده و مهارت لازم را بدست آورده باشد، مطمئناً بیکار نمی‌ماند. پریس‌صالحی: هر شغلی سر جای خودش. اما کسی که سرمایه کشور صرف او شده و خودش هم به هر حال زحمت کشیده چرا باید چنین شغلی داشته باشد. من فکر می‌کنم یک علتش توزیع نامتناسبی باشد که مطرح شد. شاید واقعاً به پزشک فارغ‌التحصیلی که الان دارد مسافر کشی می‌کند در نقطه محروم و دور افتاده‌ای از کشور نیاز هست. از طرف دیگر در خیلی از رشته‌ها نیاز به پزشک متخصص داریم و چون دانشجویانی که فارغ‌التحصیل می‌شوند اکثراً پزشک عمومی هستند و نمی‌توانند در رشته‌های تخصصی ادامه تحصیل بدهند، چنین مسایلی پیش می‌آید. □ اشاره کردید به اینکه وقتی پزشکی مسافر کشی می‌کند یکی از دلایل عمده آن پایین بودن معلومات اوست. مردم هم معتقدند پزشکان امروزی علم و مهارتشان کمتر از پزشکان قدیم است. در این خصوص چه نظری دارید؟

غفوری فرد: در جامعه چنین برداشتی وجود دارد که ما در بهترین دانشگاه ایران تحصیل می‌کنیم اما در همین دانشگاه من بین دانشجویان کسانی را سراغ دارم که انگار فارغ‌التحصیل هستند. یعنی درس جزء فعالیت‌های چهارم و پنجم زندگی‌شان هم نیست، سر کلاس خیلی کم می‌آیند، و فقط شب امتحان درس می‌خوانند. حال تصور کنید در دانشکده‌های پزشکی که در شهرهای کوچک یا مراکز غیر وابسته به آموزش عالی که امکانات کمی دارند، بیمارستان و اساتید خوبی ندارند، دانشجویان از لحاظ علمی در چه سطحی خواهند بود؟! □

□ به نظر شما برای حل این مشکل چه باید کرد؟

غفوری فرد: من فکر می‌کنم ظرفیت دانشگاه‌ها را نباید از این بیشتر کنند. دانشگاه ما هر سال ۲۰۰ نفر دانشجوی پزشکی می‌گیرد. این مسأله ارتباط استاد با دانشجو را بخصوص در قسمت‌های علمی خیلی کم می‌کند. مثلاً در سالن تشریح علاوه بر عده‌ای که گرد جسد ایستاده‌اند یک دور هم پشت سر نفرات جلو صندلی می‌چینند و روی صندلی می‌ایستند طبیعتاً در چنین وضعیتی کیفیت آموزشی خیلی پایین می‌آید اگر دانشجو کمتر باشد از امکانات موجود خیلی بیشتر می‌شود استفاده کرد.

پریس‌صالحی: من می‌دانم وقتی داوطلبان کنکور سراسری این مصاحبه را بخوانند، می‌گویند اینها تا خودشان وارد دانشگاه و رشته پزشکی نشده بودند، تمام تلاش خود را برای رفتن به دانشگاه به کار می‌بستند و اگر کسی هم به آنها می‌گفت از این کار صرف نظر کنید قبول نمی‌کردند

و یا اگر حرف از کم شدن ظرفیت رشته پزشکی می شد، ناراحت می شدند اما حالا که در دانشگاه و در رشته مورد نظرشان قبول شدند، به بچه ها می گویند: ظرفیتها را کم کنید و یا اصلاً چرا همه دوست دارند وارد رشته پزشکی شوند، اینجا که خیری نیست!

به همین دلیل با وجود این که من هم معتقدم زیاد بودن ظرفیت رشته پزشکی مشکلی در راه آموزش این رشته ایجاد کرده است اما تصور می کنم دولت اول باید برای افرادی که بیرون از درهای دانشگاه قرار دارند و وارد دانشگاه نمی شوند، فکری بکند و بعد بگوییم که ظرفیت پذیرش بعضی از رشته ها مثل رشته پزشکی را باید کم کرد. در حقیقت مسائل جامعه در ارتباط با یکدیگر است و نمی توان بدون توجه به مسائل و مشکلات دیگر جامعه، تنها به فکر حل بعضی از مشکلات بود.

